



۲۰۱۹/۱۲/۱۸



همایون شاه عالمی

یادی از مرحوم محمد اسماعیل سودا



سودا (زاده ی سال ۱۲۸۶ خورشیدی) است. وی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی برای تحصیل بیشتر آلمان فرستاده شد. اما، به دلیل مصاب به مرض سل (توبرکلوز) به افغانستان برگشت. از آنجایی که طی دو سال، زبان آلمانی را فرا گرفته بود، در کابل در تعلیمگاه حربی به ترجمانی پرداخت. در سال ۱۳۱۱ خ زندانی شد. مدتی را در زندان ارگ و سپس تا وقت وفات (۱۳۱۷ خ) در زندان دهمزنگ با دشواری های طاقت فرسا سپری نمود. جسد او را خدیجه همسر جوان اش با کودکان خانواده ناظر محمد صفر خان، در قول آبچکان دفن نموده اند. زیرا کلانسالان همه زندانی بودند. شادروان سودا انسان کوشا و با استعدادی بود. اعضای خانواده اش گفته اند، که دیوان های شعرای کلاسیک زبان فارسی را به دقت مطالعه نموده بود و شعر می سرود. جناب کلیم الله ناظر، اشعار او را زیر عنوان "بیاض سودا" به نشر سپرده است.

نمونه یی از اشعار او:

امروز باز دیده گریانم آرزوست

طبعی چو زلف یار پریشانم آرزوست

اخگر صفت ز سوز جگر خاک گشتم

و آنگاه، در رکاب تو جولانم آرزوست

زخمی به سینه از دم تیغ تغافل

مرهم از آن تبسم پنهانم آرزوست

شبم بروی لاله بسی دلکش است از آن
عمریست عارضِ عرق افشانم آرزوست
بسیار تلخ کامی هجران کشیده ام
قند مکرر لب جانانم آرزوست
آشفته سر چو سنبل و خونین جگر چو گل
"سودا" به خویش سیر گلستانم آرزوست

خداوند سودا را بیامرزد روانش شاد و یادش همیشه گرمی باد، دوست معزز یوسف صفا برادرزاده این شاعر فقید همین غزل شانرا نشر کرده بودند و همچنان معلوماتی از انترنت بدستم افتاد و با شما عزیزان شریک ساختم به امید اینکه اشعار بیشتری ازین شاعر منتشر گردد. با احترام

**** * * * * *

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

یادی از مرحوم محمد اسمعیل سودا

Alemi_h_۸۶_yade_az_moh_ismael_sauda.pdf